

مطالعه تطبیقی دیدگاه شیخ مفید و ملا صدرا درباره عالم ذر^۱

<https://doi.org/10.22034/pke.2025.20901.1975>

۱- غلامعلی مقدم

استادیار گروه فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، مشهد، ایران (نویسنده مسئول).

Gholamali Moqaddam

Assistant Professor, Department of Philosophy and Islamic Theology, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran (Corresponding Author).

dr.moghadam@razavi.ac.ir

<https://orcid.org/0000-0001-7281-8897>

۲- حانیه سالم

دانشجوی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام اسلامی دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد، مشهد، ایران.

Hanieh Salem

MA Student in Islamic Philosophy and Theology, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran.

ha9052721@gmail.com

<https://orcid.org/0009-0003-4128-7247>

¹. A Comparative Study of the Views of Shaykh al-Mufīd and Mullā Sadrā on the Realm of 'Ālam al-Dhar

نوع مقاله: مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۴/۰۱/۱۶

بازنگری: ۱۴۰۴/۰۴/۰۴

پذیرش: ۱۴۰۴/۰۴/۰۹

انتشار: ۱۴۰۴/۰۶/۰۱

Article Type: Research Article

Received: 16 February 2025

Received in revised form: 26 February 2025

Accepted: 10 March 2025

Available online: 23 August 2025

مطالعه تطبیقی دیدگاه شیخ مفید و ملا صدرا درباره عالم ذر

چکیده

عالم ذر از مسائل دشوار و جذاب معارف دینی است که در قرآن به اجمال و در روایات با تفصیل بیشتر مطرح شده است. جریان عالم ذر از جهات مختلف مورد بحث و بررسی اندیشمندان علوم اسلامی قرار گرفته است. برخی به نمادین بودن جریان ذر حکم نموده و عده ای نیز آن را به عنوان امر واقعی پذیرفته اند. در دسته دوم کسانی عالم ذر را به معنای ظاهری تفسیر کرده و گروهی نیز، به تأویل و توجیه آن اقدام نموده اند. شیخ مفید با ملاحظه برخی جهات جریان ذر را تأویل نموده است. ملاصدرا نیز تأویلی حکمی از عالم ذر ارائه کرده است. سؤال تحقیق این است که نقاط اشتراک و اختلاف مواجهه و تأویل این دو اندیشمند شیعی نسبت به عالم ذر چیست؟ در این مقاله به روش تحلیل محتوا و شیوه مقایسه ای، مواجهه ملاصدرا و شیخ مفید مورد مطالعه تطبیقی قرار گرفته و نشان داده شده است که آن دو در برخی جهات مثل ارزیابی اعتبار سندی و تحقق ذرات بدون تعلق روح اختلاف، و در جهات دیگری مانند نفی تفسیر ظاهری، ارائه تأویل عقلانی و مواجهه با اشکالات با یکدیگر اشتراک نظر دارند.

کلیدواژه: شیخ مفید، عالم ذر، نقد عالم ذر، حکمت متعالیه، ملاصدرا

مقدمه : تحریر محل نزاع و مرور اجمالی بر مهمترین دیدگاهها

جریان ذر و میثاق خداوند از بنی آدم در قرآن کریم در سوره اعراف که به صراحت درباره عالم ذر سخن گفته آمده است: «وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا»؛ زمانی را که خداوند از صلب فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه قرار داد و فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می دهیم. (اعراف، ۱۷۲). این آیه شریفه سخن گفته است. روایات زیادی نیز جریان ذر را توضیح داده اند. در عین حال معنای آیه و مراد روایات در تصویر و تبیین عالم ذر چندان واضح نیست و خاستگاه سؤالات و ارائه تفسیر و تأویل های متنوع شده است.

درباره واقعی یا تمثیلی بودن، مادی یا روحانی بودن، همگانی یا فردی بودن و حضوری یا حصولی بودن سؤالاتی مطرح و موجب شده تا درباره «عالم ذر» مباحث و دیدگاه های متنوع ابراز شود.

«ذریه» در لغت از کلمه ذر گرفته شده که در اصل به معنای اشیاء و ذرات کوچک و پخش شده است، لذا به مورچه ها و حشرات بسیار کوچک یا ذرات کوچک گرد و غبار که در شعاع خورشید دیده می شوند و به جهت کوچک بودن جاذبه زمین آنها را جذب نمی کند، «ذر» اطلاق می گردد: «الذرة بتشديد الذال النملة الصغيرة التي لا تكاد ترى، و قيل هي جزء من أجزاء الهباء الذي يظهر في الكوة من أثر الشمس» (مجمع البحرين، ج ۳، ص: ۳۰۷). گاه نیز به معنی خلق ابتدایی و آفرینش استعمال شده است: «ذره بمعنی آفریدن است و بنسل جن و انس از همین جهت ذریه گفته اند» (قاموس قرآن، ج ۳، ص: ۷)

در اصطلاح محل بحث در آیه نیز واژه ذر با همین مناسبت برای فرزندان و ذریه کوچک و نسل حضرت آدم بکار رفته است: «ذریه که بضم و فتح و کسر ذال خوانده می شود بمعنی نسل

است، ذریّه و نسل و ولد نظیر هم‌اند(قاموس، ج ۳، ص: ۷). ذریه هم برای مفرد و جمع و هم برای مونث و مذکر بکار می رود: « اسم یجمع نسل الإنسان من ذکر و أنثی» (لسان العرب، ج ۴، ص: ۳۰۵)

به نظر برخی، آیه بیانگر جریان عینی و واقعی است که در آن فرزندان آدم به صورت ذراتی کوچک و دارای شعور از پشت حضرت آدم خارج شده اند. عده ای لسان آیه را تمثیلی می دانند(بیضاوی، ۱۴۱۸، ج ۳، ص ۴۱، شرف الدین عاملی، ۱۴۳۲، ص ۱۱۳، زمخشری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۱۷۶، طنطاوی، ۱۴۲۵، ج ۵، ص ۴۳)، گروهی مراد از جریان ذر را نخستین ذرات وجود انسان در نطفه می دانند که از پشت پدران به رحم مادران انتقال یافته و به تدریج دارای درک می شوند و به توحید اقرار می کنند، به اعتقاد عده ای منظور از عالم «ذر»، عالم «ارواح» است که در آن ابتدا ارواح انسان‌ها خلق و مورد خطاب و اقرار قرار گرفته است. به نظر گروهی مراد از جریان ذر و عهد الهی همان سؤال و جوابی است که توسط پیامبران میان انسان و خداوند، انجام شده است. در نظر برخی مراد از خطاب و جواب، همان زبان حال و پیمان تکوینی است (ر، ک: طبرسی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۷۶۶، مغنیه، ۱۴۲۴، ج ۱، ص ۲۳۱، مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ج ۷، ص ۱۶) همچنین این مواجهه گاه به بعد ملکوتی و شهود باطنی ارجاع شده است (طباطبایی، المیزان، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۲۰). گاه نیز به عهد و میثاقی که خدا به لسان عقل و وحی از انسان گرفته است تفسیر می شود (جوادی آملی، ۱۴۰۱، ج ۱۲، ص ۱۲۲).

این ها نمونه ای از مهمترین دیدگاه ها در تبیین عالم ذر است و نشان می دهد که تبیین و پذیرش یا ابطال و اثبات حقایقی چون عالم ذر و احتمالات ماهوی و معنایی آن، تا چه میزان پیچیده و دشوار است. چنانکه گاه پرداختن به آن ممنوع و بدعتی حنفی و خارج از حوزه اعتقادات اسلامی به شمار آمده است» (حنفی، ۱۴۲۰، ص ۷۷۵).

حال اگر مانند برخی اخباری ها این گونه متون را از متشابهات دانسته و ادراک حقیقت آنها از حوزه عقل و فهم خارج بدانیم، باید علم آن را به اهل آن واگذار نموده و به مضمون اجمالی و کلی آنها معتقد شویم. لکن اگر بپذیریم که این متون حامل معنایی قابل فهم بوده و با هدف تبیین و توضیح حقایق برای مردم بازگو شده، راه عقلانی و منطقی آنست که با در نظر گرفتن اشکالات و محذورات و تعارضات و ملاحظه جهات مختلف و مراجعه به آراء و دیدگاه ها و بررسی و تحلیل مبانی و ادله، در نهایت نظریه ای را که اشکالات و موانع و محذورات کمتری دارد، به عنوان اعتقاد فعلی بپذیریم. لذا شایسته است دیدگاه ها و نقاط قوت و ضعف آنها در مقایسه با هم مورد توجه قرار گرفته، نوع مواجهه و پاسخ به اشکالات مطالعه شده، قدرت تبیین و توجیه منطقی هر یک ارزیابی شده و از این رهگذر به دیدگاه معقول تر و مقبول تر دست پیدا کرد.

در همین راستا در این مقاله به مطالعه تطبیقی دیدگاه شیخ مفید به عنوان متکلمی عقل گرا و ملاصدرا به مثابه فیلسوفی شیعی پرداخته و نقاط اشتراک و اختلاف نگرش آنها را مقایسه می کنیم. شیخ مفید و ملاصدرا هر دو در کنار ملاحظه نصوص دینی، به مراعات مشی عقلی نیز پای بندند. شیخ مفید نسبت به تبیین و پذیرش ابعاد مختلف عالم ذر به برخی از موانع توجه و نظریاتی عقل گرایانه ابراز کرده که پس از او موضع بحث و مناقشه واقع شده است (رک: سید مرتضی، ۱۴۳۱ق، ج ۱، ص ۲۸؛ طوسی، بی تا، ج ۵، ص ۲۸؛ طبرسی، ۱۴۱۵ق، ج ۴، ص ۷۶۶). ملاصدرا نیز با تکیه بر مبانی عقلی و فلسفی تأویلی هستی شناسانه از عالم ذر و جریان میثاق ارائه نموده است. در ادامه پس از اشاره به تاریخچه بحث، به تبیین دیدگاه این دو عالم شیعی و تحلیل وجه اختلاف و اشتراک آنها در این زمینه می پردازیم.

پیشینه تحقیق :

مباحث عالم ذر همواره مورد توجه بوده و در ذیل آیه شریفه و روایات ناظر به آن مطرح و از ابعاد مختلف مورد بحث قرار گرفته است. مفسران به تفسیر آن همت گماشتند، محدثان در مسأله رفع تعارض اخبار به مباحث مرتبط با آن پرداخته اند، متکلمین آن را به عنوان مقوله ای اعتقادی مورد توجه قرار داده اند. حکما نیز از نگاه جهان شناسی و انسان شناسی فلسفی به توضیح و تبیین آن پرداخته اند، دیگر علوم انسانی مانند روانشناسی، جامعه شناسی، حقوق، اخلاق و... نیز ممکن است مباحث مرتبط با عالم ذر را مطرح کرده باشند. لذا همه کتب تفسیری و حدیثی و کلامی و مقالات و پایان نامه های مشتمل بر مباحث عالم ذر را می توان تاریخچه عام این مسأله محسوب کرد.

در خصوص مسأله محل بحث نیز ملاصدرا و شیخ مفید به تبیین و تحلیل محتوی و نقد و بررسی آراء و پاسخ به اشکالات عالم ذر پرداخته اند. از این جهت آثار شیخ مفید مانند: تصحیح اعتقادات، مسائل سرویه، مسائل عکبری، و کتب ملاصدرا مانند: عرشیه، مشاعر، مبدأ و معاد، اسرارالآیات، تفسیر قرآن کریم، اسفار، شواهدالربوبیه و به ویژه شرح اصول کافی که در آن روایات ذر را به تفصیل مورد بحث قرار داده، از منابع دستیابی به تاریخچه این بحث به شمار می آید. کتاب هایی نیز مانند سد المفرد علی منکر عالم ذر، پیرامون این موضوع نگاشته شده است.

مقالاتی نیز در خصوص مسئله مورد تحقیق نگاشته شده است که از میان آنها موارد زیر مهمتر و قابل توجه است:

- ۱- مقاله «نقد و بررسی دیدگاه شیخ مفید در باب آموزه عالم ذر» (خوش صحبت، ۱۳۹۵).
- که با روشی توصیفی انتقادی اشکالات شیخ مفید را مطرح و به نقد آنها پرداخته است.

۲- مقاله «انسان در عالم ذر آراء و اقوال دانشمندان قرن ۴ تا قرن ۸» (بیابانی اسکویی، ۱۳۸۸) که در آن دیدگاه های ۷ تن از بزرگان شیعه از قرن چهارم تا قرن هشتم از جمله شیخ مفید تبیین و مورد بررسی قرار گرفته است. نیز مقالاتی از همین نویسندگان در فصلنامه سفینه، شماره های ۱۵ تا ۲۵ نگاشته شده و در آنها ابتدا جریان ذر از طریق آیات و روایات تبیین و سپس نظرات علمای قرون چهارم تا پانزدهم قمری را در این زمینه اعم از موافق و مخالف بیان و نقد و بررسی کرده است.

۳- مقاله «چگونگی مواجهه شیخ مفید با میراث حدیثی امامیه» (اعتصامی، ۱۳۹۱) که به بررسی مواجهه شیخ مفید با میراث حدیثی امامیه و میزان بهره گیری وی از این میراث و رویکرد انتقادی و گزینشی شیخ مفید درباره روایات در موضوعات کلامی داشته است.

با ملاحظه این تاریخچه و حسب تتبع نگارندگان مقاله، تاکنون تحقیقی درباره مطالعه تطبیقی دیدگاه شیخ مفید و ملاصدرا نسبت به عالم ذر و بیان وجه اختلاف و اشتراک دو دیدگاه یا تلاش برای جمع دلالتی برخی ابعاد در این باره انجام نشده و تحقیق پیش رو در این زمینه مسبوق به سابقه نیست. بنابراین آنچه در مقاله پیش رو مورد توجه قرار گرفته و می توان آن را نسبت به دیگر کارها، وجه نوآوری مقاله به شمار آورد، مقایسه و مطالعه تطبیقی و بیان وجوه اختلاف و اشتراک آنها در مواجهه با ماهیت و حقیقت عالم ذر و پاسخگویی عقلی و منطقی به اشکالات و شبهات است.

تحلیل و مطالعه تطبیقی دیدگاه شیخ مفید و ملاصدرا

شیخ مفید و ملاصدرا هر دو از اندیشمندان عقل گرای شیعه بوده و علی رغم اختلاف در برخی جهات عالم ذر، مشی نهایی آنها با هم همسو و هماهنگ و از این جهت قابل جمع است.

این هم آوایی نتیجه اهمیت عقل در معارف اهل بیت و بیانگر پویایی جریان عقل گرایی در تفکر شیعه است. برخلاف برخی جریانهای غیر شیعی، اخباری گری در شیعه جز در مقاطع محدود، فرصت ظهور و بروز پیدا نکرده است. در ادامه به مطالعه تطبیقی و تبیین وجوه اختلاف و اشتراک دیدگاه این دو دانشمند می پردازیم.

وجوه اختلاف

۱- تفاوت در مواجهه با اسناد

یکی از تفاوت های مواجهه مرحوم شیخ مفید در مسأله عالم ذر نسبت به ملاصدرا، توجه به میزان اعتبار و حجیت روایات صادره درباره عالم ذر است، شیخ مفید در گام نخست حجیت سند و طریق انتساب برخی اخبار عالم ذر به معارف را مورد ارزیابی قرار داده و در صحت آنها خدشه کرده و با تفکیک روایات معتبر از روایات غیر معتبر، به ضعف سندی برخی روایات حکم نموده است.

در حالی که در آثار ملاصدرا کمتر به مباحث سندی و تعیین حجیت اخبار عالم ذر و اعتبار راویان آن برخورد می کنیم. تفاوت در این موضع شاید از غلبه نگاه فلسفی ملاصدرا و میزان قرار دادن عقل در تبیین مسائل اعتقادی نشأت گرفته باشد، در مشی ملاصدرا، آنچه در پذیرش این سنخ اعتقادات مهم و معیار است آن است که عناصر نظام اعتقادی در یک نظام هستی شناسانه منسجم قابل تبیین و توجیه باشند. از آنجا که با توجه به مدلول آیه شریفه و روایات، اصل جریان ذر امری مسلم و مفروغ عنه است، اختلاف تعبیر روایات، مسائل فرعی و استطرادی، احتمال زیاده و نقیصه و ادراج در جزئیات و اختلاف طرق و عدم استفاضه یا ضعف برخی روایات و روات، در تبیین و فهم اصل مسأله خللی ایجاد نمی کند. در نگرش ملاصدرا پس از

پذیرش اصل جریان ذر، آنچه مهم است توجیه منطقی و عقلانی مناسب این مسأله است. بر همین اساس ملاصدرا اگر چه بر مباحث رجالی تا حدودی اشراف دارد و در آثار حدیثی خود مانند شرح اصول کافی و تفسیر قرآن کریم به مسأله اسناد روایات نیز توجه کرده است، لکن در این موضع با توجه به مسلم بودن جریان ذر و لزوم تبیین عقلانی و منطقی معارف اعتقادی، اصل این عالم را مسلم انگاشته و به تبیین هستی شناسانه آن مبتنی بر مبانی حکمت متعالیه اقدام کرده است.

لکن شیخ مفید نسبت به صحت اخبار نیز حساسیت نشان داده و به اعتبار و حجیت روایات توجه کرده است. از این رو علاوه بر نقد محتوی و بیان اشکالات عقلی تفسیرهای ظاهر گرایانه از عالم ذر و اقدام به تأویل و توجیه معقول جریان میثاق، روایات را از جهت سند و اعتبار نیز مورد بحث و ارزیابی قرار داده است.

ارزیابی شیخ مفید درباره ضعف روایات عالم ذر، از دو جهت قابل توجه است؛ اول از جهت تعارضی که در ظاهر این روایات با صریح نص قرآنی وجود دارد، دیگر از جهت قلت طرق و افراد، عدم استفاضه، احتمال جعل و ادراج که موجب عدم اعتماد به آنها می شود.

الف: تعارض روایات باب با ظاهر قرآن

یکی از اشکالات شیخ مفید نسبت به اعتبار برخی روایات عالم ذر که موجب ضعف و عدم التفات به آنها می شود، تعارضی است که در معنای ظاهری برخی از این روایات با ظاهر قرآن کریم وجود دارد، چنانکه گفتیم معنای ظاهری آیه ذر، خروج ذریه از پشت فرزندان آدم است؛ «وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنْفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا (اعراف، ۱۷۲). در حالی که روایاتی که در توضیح آیه وارد شده، خروج این ذرات را از

صلب خود حضرت آدم دانسته است، بنابر این مدلول این روایات با ظاهر آیه تعارض دارد و بدون توجیه قابل انطباق بر آیه نیست.

به نظر شیخ مفید این تعارض پذیرش اعتبار این دسته از روایات را دشوار می کند، موافقت و مخالفت با ظاهر قرآن کریم از معیارهای تشخیص روایات صحیح از سقیم است. در معارف شیعی روایات مخالف با قرآن محکوم به طرد، اجتناب و ضرب بر جدارند و به زخرف بودن توصیف شده اند.

البته برای رفع این تعارض توجیهاتی گفته شده است؛ مانند اینکه فرزندانِ فرزندانِ آدم نیز با واسطه فرزندان خود آدم به شمار می آیند. ملاصدرا نیز به این تعارض و وجه جمع میان آنها توجه کرده است: «قوله تعالى: مِنْ ظُهُورِهِمْ، لا شك انه بدل لقوله تعالى: مِنْ بَنِي آدَمَ، فيكون المعنى: و اذ اخذ ربك من ظهور بني آدم، و على هذا فلم يكن اخذ من ظهر آدم شيئا» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۷۰) «در لفظ آیه چیزی که خروج فرزندان از صلب آدم علیه السلام را تأیید یا ابطال کند وجود ندارد، لکن اخبار بر آن دلالت دارند. پس خروج ذریه از صلب بنی آدم با قرآن و خروج ذریه از صلب آدم با احادیث اثبات می شود. علی هذا بین این دو مطلب منافات و اختلافی وجود ندارد، لذا برای مصون ماندن آیه و اخبار از طعن و تعارض لازم است هر دو مطلب را پذیرفت.» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۷۲).

ب: ضعف سندی بخشی از روایات

اشکال دیگر شیخ مفید در اعتبار این روایات خدشه در اعتبار سندی بخشی از روایات عالم ذر است، شیخ مفید با توجه به تنوع و اختلاف مضمون روایات عالم ذر، میان روایات معتبر و غیر معتبر تفاوت گذاشته و برخی از آنها را از جهت سند مخدوش دانسته و خبر واحد یا مجعول یا دخیل تلقی می کند. بنابراین بخشی از روایاتی که امثال شیخ صدوق در اثبات عالم ذر ذکر

کرده اند (ر.ک: صدوق، ۱۴۱۶ق، ص ۴۷-۴۸)، به نظر شیخ مفید خبر واحد محسوب می شود و خبر واحد بر فرض حجیت در احکام، در عقاید حجت نیست (مفید، تصحیح اعتقادات، ۱۴۱۳، ص ۸۰).

بر همین اساس بیشتر روایات مربوط به خروج ذریه آدم به صورت ذرات ریز از صلب آدم و حرکت و پراکندگی آنها در افق و روح یافتن و گفت و گوی با خداوند که با الفاظ مختلف و معانی گوناگون در روایات وارد شده، قابل اطمینان و اعتماد نبوده، یقین به صحت آنها حاصل نمی شود و در نتیجه حسن ظن راویان نقل شده است: «روایات خروج ذریه از صلب آدم چیزی نیست که بتوان صحت آنها را با قطع به خداوند نسبت داد، بلکه راویان آنها را از روی حسن ظن نقل کرده اند» (مفید، ۱۴۱۳، المسائل السرویه، ج ۱، ص ۵۲).

شیخ مفید روایات ناظر به گفت و گوی میان حق تعالی و ذرات و به سخن درآمدن ذرات و اقرار به عهد و ربوبیت الهی را از مجعولات به شمار آورده است: «روایاتی که مربوط به خطاب حق تعالی در الست بر بکم و جواب آنهاست از اخبار آحاد است و اعتباری به آنها نیست، بلکه از مجعولات است» (مفید، ۱۴۱۳، المسائل السرویه، ج ۱، ص ۴۴).

همچنین روایات خلقت ارواح قبل از اجساد را خبر واحد و غیر حجت معرفی کرده و قابل قبول نمی داند: «آنچه ابوجعفر شیخ صدوق روایت کرده که ارواح دو هزار سال قبل از اجسام آفریده شده اند، آنها که قبل از خلق همدیگر را شناختند، بعد خلق با هم انس و ائتلاف دارند و آنانکه همدیگر را نشناختند، پس از خلق با هم ناسازگاری و اختلاف دارند، حدیثی واحد و خبری است که از طریق افراد نقل شده است (مفید، ۱۴۱۳، تصحیح اعتقادات، ص ۸۰) بنابراین مرحوم مفید در گام اول این روایات را از جهت نقل و سند قابل اعتماد نمی داند: «این روایت که خداوند متعال ارواح را دو هزار سال قبل از اجساد آفریده، خبر واحد است، و اهل سنت نیز

مانند شیعه آن را نقل کرده اند» (مفید، ۱۴۱۳، المسائل السرویه، ص ۵۲). البته درگام بعدی و بر فرض پذیرش آنها را توجیه و تأویل نموده، خلقت ارواح قبل اجساد را مانند ملاصدرا به تقدم در سلسله وجودی عالم تفسیر می کند.

بنابراین هر دو عالم شیعی اصل جریان عالم ذر را پذیرفته اند، زیرا روایات عالم ذر و تبیین چگونگی و مراحل مختلف آن زیادند و در ابواب مختلف در مجامع حدیثی ذکر شده اند (ر، ک: مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۳، ص ۲۷۶). با ملاحظه مجموع این روایات، می توان علم به صدور مضمون آنها پیدا کرد. از این جهت شاید نیازی به بحث تفصیلی و خدشه در یکایک اسناد و طرق و بررسی سندی این روایات نباشد.

اگر چه مانند بسیاری از مسائل معارفی دیگر جریان ذر هم ممکن است مورد تفسیر و دستخوش تغییر و مبتلا به جعل و ادراج و ادخال بوده و برخی روایات ضعیف در توضیح جزئیات آن نقل شده باشد، از این رو از جهت سندی و رجالی قابل بررسی و ارزیابی است، چنانکه در برخی کتب و مقالات از همین حیث مورد تحقیق و ارزیابی قرار گرفته است (ر، ک: ابراهیمی راد، ۱۴۰۳، ص ۳۰-۱). برخی از این روایات دارای سند معتبر و راویان آنها موثق اند و بعضی فاقد سند معتبرند. (مکارم شیرازی، ج ۷، ص ۴۶).

۲- خروج ذرات بدون تعلق روح

یکی از تفاوت هایی که در تبیین عالم ذر میان صدرا و شیخ مفید دیده می شود، تفسیر شیخ مفید از عالم ذر در قالب ذرات، بدون تعلق ارواح است، که شیخ مفید به منظور رفع برخی اشکالات و محذورات آن را پیشنهاد کرده است. به نظر شیخ مفید می توان این احتمال را مطرح کرد که ذرات مورد مشاهده حضرت آدم، ذراتی جسمانی و حاکی از تنوع و کثرت و طینت اولیه

فرزندان آدم باشند. این ذرات ریز اصول جسمانی ذریه آدم بودند و هدف از این کار نشان دادن قدرت الهی و تشویق آدم به اطاعت آدم از فرامین الهی بوده است: «ممکن است آنچه را که خداوند از پشت حضرت آدم بیرون آورد، خمیره اولیه اجساد فرزندان آدم بدون تعلق روح باشد، و این کار برای نشان دادن آینده نسل آدم و قدرت و اقتدار الهی و عجائب خلقت قبل از آفرینش باشد تا بر یقین حضرت آدم افزوده شده و این یقین موجب اطاعت بیشتر و تمسک به اوامر و اجتناب از نواهی باشد» (مفید، ۱۴۱۳، المسائل السرویه، ج ۱، ص ۴۶).

چنانکه ممکن است اظهار این ذرات بدون روح برای نمایش کثرت اولاد به حضرت آدم و نشان دادن تنوع و اختلاف طینت آنها باشد: «نظر صحیح آن است که ذراتی مانند مورچه بیرون آورد و افق را با آنها پر کرد، آنگاه در برخی از آنها نوری خالص و در برخی از آنها نور آمیخته با ظلمت قرار داد. چون آدم آنها را دید، تعجب کرد و پرسید اینها چه هستند؟ خداوند فرمود: اینها فرزندان تو میباشند. مقصود خداوند نشان دادن کثرت اولاد آدم و پر شدن آفاق از آنها بود تا آدم قدرت خداوند را درک کند و به تداوم و کثرت نسل بشارت یابد» (مفید، ۱۴۱۳، المسائل السرویه، ص ۴۴).

طبیعی است که با این تفسیر، اصل جریان ذر توجیه شده و برخی از محذورات آن رفع می شود، زیرا اولاً نیازی به تحقق ارواح و تعلق به ابدان وجود ندارد و اشکال تناسخ برطرف خواهد شد. ثانیاً در این برداشت نیازی به خروج همه فرزندان آدم وجود ندارد، هدف حق تعالی نشان دادن کثرت اولاد آدم و تشویق و ترغیب او به اطاعت و تداوم نسل بود و برای رسیدن به این هدف نیازی به تصویر همه افراد و فرزندان آدم نیست. اخراج برخی از ذریه حضرت آدم به میزانی که کثرت آنها برای حضرت آدم مسجل شود کافی است.

علاوه بر این مخاطب اصلی حضرت آدم است و صحبت از عهد و پیمان، گفت و گو و تخاطب با یکایک فرزندان که احتمالاً از مجعولات تناسخیه است، مطرح نیست. لذا اشکال ترجیح بلامرجح در میثاق از برخی فرزندان یا اختصاص به کفار مطرح نمی شود: «و اما خبری که از اولاد آدم - علیه السلام - خواسته شد که سخن بگویند و آنها سخن گفتند، پس از آنها عهد گرفت و آنها تصدیق کردند، از اخبار تناسخ است» (مفید، ۱۴۱۳، المسائل السرویه، ج ۱، ص ۴۶).

به هر حال این وجهی است که شیخ مفید به عنوان یکی از وجوه تأویلی جریان ذر گفته و با توجه به فضای کلامی و مواجهه با تفسیرهای ظاهری تلاش کرده تا راهی میانه که با محذورات کمتری مواجه باشد پیشنهاد کند. در حالی که ملاصدرا حسب مبانی فلسفی خود نیازی به این توجیه ندیده، بلکه حضور ماده در عوالم بالاتر از نظر او اساساً قابل قبول نیست. ملاصدرا چنانکه خواهیم گفت با تکیه بر مبانی حکمت متعالیه، عالم ذر را با سلسله طولی و مراتب تجردی عالم تفسیر می کند، لذا اولاً نیازی به این توجیه ندارد و ثانیاً این توجیه با اصول حکمت متعالیه قابل قبول نیست.

وجوه اشتراک

۱- همسویی در نفی تفسیر ظاهری

یکی از دیدگاه های عمده درباره عالم ذر، تفسیر ظاهری و حقیقی از این جریان است، بر اساس این دیدگاه و مطابق ظاهر آیه و روایات، همه فرزندان حضرت آدم قبل از خلقت دنیوی، در عالم ذر به صورت ذرات ریز و مورچه مانند از صلب حضرت آدم خارج شده و با ابدان ذری تحقق پیدا کرده اند، این ذرات دارای نفس و روح و ادراک و شعور بوده و طرف مخاطبه

حق تعالی قرار گرفته و در این گفت و گو خداوند از آنها بر ربوبیت خویش اقرار گرفته و آنها نیز بدان شهادت داده اند. ارواح انسان های کنونی با همین تشخیص نفسانی قبل از تعلق به بدن فعلی، به ذرات ریز که تحقق بخش انسان ذری بوده اند تعلق گرفته است. پس معنای آیه این است که خداوند از صلب آدم ذرات ریزی را استخراج کرد و با تعلق ارواح به آن ها از آنان عهد و پیمان گرفت و به آنها گفت آیا من پروردگار شما نیستم؟ آنها شنیدند و پاسخ دادند که آری چنین است.

طبق این دیدگاه، روایات نیز ماهیت عالم ذر را با خروج ابدان ذری از صلب آدم و تعلق روح قبل از خلقت دنیوی با تفصیل بیشتر توضیح داده اند، پس ارواح در عالم ذر و سابق بر این تعلق دنیوی حقیقتاً تحقق و حدوث پیدا کرده و به ابدان ذری تعلق گرفته اند. بسیاری از علمای اهل سنت و گروهی از علمای شیعه مانند شیخ صدوق، علامه مجلسی و جمال الدین خوانساری که گرایش ظاهری و اخباری دارند، این دیدگاه را انتخاب کرده اند (قدردان قراملکی، ۱۳۷۳). این نگرش را می توان تفسیر ظاهری آیه شریفه و روایات مربوط به عالم ذر تلقی کرد.

تفسیر ظاهری و لزوم تناسخ

شیخ مفید و ملاصدرا به مثابه دو اندیشمند عقل گرا هر دو با این تفسیر ظاهری مخالفت کرده اند، این نوع نگاه به نظر آنها دارای تبیین عقلانی و مقبول نیست، در مواجهه با اشکالات توفیق چندانی ندارد و خود مستلزم محذورات و اشکالات فراوان است. لذا از جهات مختلف مورد بحث است. ملاصدرا پس از نقل اقوال از جانب معتزله حدود ده اشکال این تفسیر را ذکر کرده است. یکی از اشکالات شیخ مفید و ملاصدرا بر این نگرش که موجب نفی آن شده، لزوم تناسخ است: « این روایات وجهی غیر از آن چیزی دارد که ناآگاهان به حقایق گمان می برند... و معنای آن چیزی نیست که طرفداران تناسخ تصور می کردند و بر برخی شیعه شبهه وارد شد،

آنها تصور کردند که ذرات در عالم ذر به عنوان ذوات فعال خلق شد که دارای تعقل، فهم و گفتار بوده و مورد امر و نهی الهی قرار گرفتند، سپس خداوند اجساد خلق نموده و این ذرات و ارواح را در آنها قرار داد (شیرازی، ۱۳۴۱، ص ۲۳۹، مفید، ۱۴۱۳، تصحیح اعتقادات، ص ۸۱).

«اینکه ذات متحرک و فعال انسان با تعقل و نطق در عالم ذر تحقق یافته و به بدن ذری تعلق گرفته و مورد امر و نهی واقع شده، دوباره از بدن جدا شده و به تدریج در عالم طبیعت به ابدان دنیوی تعلق می گیرد، همان مدعای تناسخیان است. لازمه اعتقاد به تقدم حدوث روح بر بدن، اعتقاد به تناسخ و محال است (مفید، ۱۴۱۳، تصحیح اعتقادات، ص ۸۱). «روایتی که طبق آن از اولاد آدم خواسته شد که به صورت ذرات در عالم ذر سخن بگویند و آنها سخن گفتند، پس از آنها عهد گرفت و آنها تصدیق کردند، از اخبار تناسخیه است (مفید، مسائل سرویه، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۶۶، تصحیح اعتقادات، ص ۸۳).

شیخ مفید تفسیر ظاهری جریان ذر را منطبق بر ادعای تناسخیه دانسته، به شدت انکار کرده و طرفداران چنین برداشتی را مورد طعن و نقد قرار داده است. اگر ذرات بدنی در عالم ذر نفس و روح داشته باشند و سپس همان نفس در این دنیا به جنین تعلق پیدا کند بدان معناست که نفس در دو مرتبه به بدن تعلق گرفته و این امر مصداق تناسخ محال است: «اصحاب تناسخ معتقدند نفس ها دائما در بدن های متفاوت تکرار می شوند (مفید، تصحیح اعتقادات، ۱۴۱۳، ص ۸۸).

به همین منوال در دیدگاه ملاصدرا نیز این تفسیر ظاهری و مادی گونه از عالم ذر نفی شده است. به نظر صدرا این دیدگاه که ارواح قبل اجساد خلق شده اند اگر چه برای تصحیح عالم ذر و تأیید تفسیر ظاهری و دنیوی از آن به کار گرفته شده، اما قابل قبول نیست (آشتیانی، جلال الدین، شرح بر زادالمسافر، ۱۳۸۱ ش، ج ۱، ص ۱۸۴). «برخی معتقد به قدم ارواح و برخی قائل

به تقدم ارواح بر اشباح بوده و می گویند آنها همان ذرات خارج شده از صلب حضرت آدم اند که به الهیت و ربوبیت خداوند اعتراف کرده اند (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۳، ص ۵۱۲).

مطابق مبانی حکمت متعالیه نفس حقیقتی جسمانیه الحدود است، هر نفس در ماده و بدن خود تحقق پیدا می کند: «البنیة شرط لحصول الحیاء و الالجاز ان یکون کل ذره من ذرات الهبات عاقله فاهمه» (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۷۰) بلکه به تعبیر دقیقتر و مناسب حرکت جوهری، نفس همان قوه بدنی و نباتی تعالی یافته و تبدیل شده است، بنابراین هر نفس صورت جوهری ماده بدنی خود است و به جهت حقیقت تعلقی نفس به بدن، امکان جدایی و تعلق مجدد به همان ماده یا ماده دیگر وجود ندارد (سبزواری، ۱۳۸۳، ص ۴۱۲۹). از این رو در نظر صدرا مانند شیخ مفید تقدم ارواح و نفوس بر ابدان و جدایی و تعلق مجدد امکان پذیر نیست: «نفسیت نفس ناشی از جنبه تعلقی پیوسته نفس به بدن میباشد» (همان، ۱۳۶۶، ج ۷، ص ۲۴۳).

به نظر صدرا بر خلاف دیدگاههای دو گانه انگار درباره رابطه نفس و بدن، نفس در ابتدای تحقق خود چیزی غیر از همان ماده و قوه جمادی و نباتی نیست، رابطه نفس و بدن رابطه اتحادی ماده و صورت است، در حرکت جوهری و با فراهم شدن شرایط، صورت جمادی غذا به صورت نباتی در نطفه تحول پیدا کرده و به تکامل جوهری نباتی در رحم ادامه می دهد تا قابلیت تبدل و تکامل به مرتبه حیوانی و انسانی و پذیرش صورتهای بعدی را پیدا کند، بنابر این هر نفس عین همان ماده خود است و برای تکرار یک نفس لازم است همه علل و شرایط تحقق آن ماده تکرار شود که چنین چیزی محال است و در صورت تکرار ماده و صورت دیگری تحقق پیدا خواهد کرد.

باتوجه به استحاله تفکیک صورت از ماده در مرتبه طبیعی، اگر روح قبل از بدن تحقق داشته باشد و بخواهد به بدن تعلق بگیرد، لاجرم باید قائم به خویش و از بدن بی نیاز باشد و در این

صورت تعلق یافتن به بدن وجهی ندارد. همچنین اگر روح قبل از بدن باشد یا واحد است یا کثیر و هر دو شق محال است، وحدت روح مستلزم اتحاد همه ارواح و نفوس است و کثرت بدون ماده در مجردات معنا ندارد: «نفس ناطقه قبل از بدن نه می تواند واحد باشد و نه کثیر و اساساً موجود محقق محسوب نمی شود. (شیرازی، ۱۳۱۳، ج ۱، ص ۳۱۱).

به هر حال تفسیر ظاهری و مادی گونه از این وقایع محذورات و اشکالات و تعارضات جدی در مجموعه معارف ایجاد می کند. عدم انسجام، تعارض و تناقض در نظام فکری واحد که از سرچشمه وحی و عصمت صادر شده قابل قبول نیست. لذا هم در مبنای شیخ مفید و هم با مبانی حکمت متعالیه از جهات مختلف از جمله استلزام تناسخ محل اشکال است. چنانکه دیگر فیلسوفان و شارحان حکمت متعالیه نیز بدان تذکر داده اند (طباطبایی، ۱۳۹۳، ج ۸، ص ۳۲۵، آشتیانی، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۳۹۲).

تفسیر ظاهری و منافات با فراموشی

وجه دیگری که موجب اشکال شیخ مفید و ملاصدرا بر تفسیر ظاهری از عالم ذر شده است، منافات آن با فراموشی این تجربه حقیقی است، اگر انسان ها با همین تشخص و هویت شخصی و همین نفس و روح قبلاً یک بار این میثاق را با عقل و شعور و ادراک تجربه کرده باشند، حداقل باید کسانی آن را به یاد داشته باشند در حالی که احدی چنین واقعه ای را به یاد نمی آورد.

از اینکه نوع انسان ها خاطره، تذکر و یادآوری یا گزارشی نسبت به چنین حادثه ای ندارند، معلوم می شود که این واقعه برای نفوس و ارواح فعلی اشخاص واقع نشده است. به نظر شیخ مفید اگر نفوس و ارواح ما با تعلق به ذرات بدنی چنان عالمی را تجربه کرده باشد انسان ها که در دنیا تداوم همان روح هستند باید آنچه را بر روح آنها گذشته است به یاد بیاورند. (مفید،

۱۴۱۳، المسائل السرویه ج ۱، ص ۵۳). این مطلب بدان می ماند که شخصی که مدتی در شهری زندگی کرده و سپس به شهر دیگری رفته از شهر سابق خود هیچ به خاطر نیاورد و اگر مطالبی درباره شهر گذشته او گفته شود، نسبت به آنها اظهار بی اطلاعی کند، در حالی که چنین چیزی قابل پذیرش نیست: «اگر چنین بود حال قبلی خویش را به خاطر می آوردیم و اوضاع آن بر ما پوشیده نمی ماند، نمی بینید که هر کس در شهری بزرگ شود، سالی در آن بماند، سپس به شهر دیگری نقل مکان کند، خاطره آن را فراموش نمی کند و اگر گاهی گرفتار سهو شود با تذکر مجدد به یاد می آورد. این دیدگاه مثل این است که یکی از ما بیست سال در بغداد زندگی کند و سپس به شهر دیگری برود آنگاه گذشته و خاطرات خویش را فراموش کند و حتی در صورتی که به او تذکر داده شود و علامات بغداد بیان شود باز هم متذکر نگردد و آن را انکار کند و این چیزی است که هیچ عاقلی بدان ملتزم نمی شود» (مفید، ۱۴۱۳، تصحیح اعتقادات، ص ۸۵).

این اشکال مورد توجه ملاصدرا نیز قرار گرفته و در شمار اشکالات تفسیر ظاهری عالم ذر آمده است: «ان أخذ الميثاق لا يمكن الا من العاقل، و لو كانت الذرية حينئذ عقلاء لوجب ان يتذكروا في هذا الوقت بانهم اعطوا الميثاق» (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۷۰، سبحانی، ۱۳۹۰، ج ۲، ص ۶۷).

فراموش کردن عالم عهد و ميثاق، حکمت جعل و ایجاد آن را از بین می برد، اگر هدف از خلقت عالم ذر و ميثاق این است که انسان خدا و ربوبیت او را فراموش نکند و عذری برای انکار نداشته باشد، با این تفسیر چنین هدفی محقق نشده است؛ زیرا انسانها از این ميثاق چیزی به یاد نمی آورند و عذر آنها در انکار ربوبیت همچنان باقی است. پس برگزاری چنین عهد و ميثاقی لغو و عبث خواهد بود (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۷۰). اگر انسان ها با درک و شعور

کامل چنین عالمی را تجربه کرده باشند، این ادراکات در قوه حافظه وجود داشت و به نحو طبیعی حداقل در برخی افراد مورد بازخوانی و یادآوری قرار می گرفت.

به هر حال تفسیر ظاهری با این دو محذور و محذورات دیگر مانند ترجیح بلامرجح در تعلق به بعض و اجتماع نامتناهی در تعلق به کل مواجه بوده و لذا از سوی شیخ مفید و ملاصدرا نفی شده است (ملاصدرا، ۱۳۶۶، ج ۳، ص ۳۷۰).

البته باید توجه داشت که برخورد مرحوم مفید با این تفسیر به معنای نفی عالم ذر و مستلزم انکار عالم ذر چنانکه گاه به ایشان نسبت داده می شود نیست. شیخ مفید و ملاصدرا برداشت ظاهری و دنیوی مادی گونه از عالم ذر که عالم ذر را به طبیعتی دیگر تبدیل می کند، مورد نقد و بررسی قرار داده اند و در این نقد نیز کاملاً مصیب اند.

۲- تأویل و توجیه عقلانی

شیخ مفید و ملاصدرا با پذیرش اصل جریان عالم ذر و نفی تفسیر ظاهری در جهت سلبی، در جهت ایجابی نیز در ارائه وجوه معقول و مقبول عالم ذر تلاش کرده اند. شیخ مفید آیه شریفه و روایات تقدم خلقت ارواح بر ابدان را متعلق به مرتبه علم خداوند می داند که از این جهت به تفسیر حکما به ویژه حکمت متعالیه در این باره بسیار نزدیک است: «معنا این است که خداوند قبل از خلقت اجساد آنها را در عالم علم خویش تقدیر و تعیین نمود. سپس مطابق آن علم اجساد را ایجاد و ارواح را به وجود آورد. بنابراین خلق ارواح قبل از اجساد، خلق تقدیری و در علم الهی است نه اینکه ذات این ارواح پیش از اجساد خلق شده باشد (مفید، ۱۴۱۳ق، ج ۱، المسائل السرویه، ص ۵۳). این نگرش شیخ مفید اگر چه به نحو اجمالی بیان شده اما ناظر به تبیینی

عقلی و تجردی و هستی شناسانه از عالم ذر است و از نظر درون مایه اصلی خود اجمال همان چیزی است که در حکمت متعالیه به تفصیل بیان شده است.

دیدگاه ملاصدرا در مسأله عالم ذر و میثاق الهی نیز همین است و مانند دیگر انگاره های حکمت متعالیه، ناظر به مبانی حکمت متعالیه مانند اصالت، تشکیک و وحدت وجود، اقسام و ترتیب عوالم، قاعده بسیط الحقیقه، علم اجمالی و کشف تفصیلی، حمل حقیقه و تحلیل می شود (شیرازی، ۱۳۶۰، ص ۷۶۰). در نظام هستی شناسی حکمت متعالیه و بنابر تشکیک خاص یا اخص، مراتب فلسفی یا تعینات عرفانی همه درجات وجود واحد یا مظاهر حقیقت واحدند، در این نظام همه حقایق مادون در مراتب مافوق نیز تحقق متناسب با همان عالم دارد که علت، اصل و حقیقت و ملکوت آن شیء است. «هر چیزی ملکوتی دارد و برای هر شهادتی غیبی و باطنی وجود دارد» (ملاصدرا، ۱۳۶۰، ص ۱۵۱). «ماهیات قبل از آنکه در خارج به وجود خاص خویش موجود شوند، در مراتب قبل، به وجود مجرد و بسیط عقلی موجود و از نحوه ای ثبوت علمی برخوردار بودند» (شیرازی، ۱۴۱۳، ج ۱، ص ۴۷۰).

بنابراین انسان نیز در قوس نزول دارای نشأت وجودی متعدد است. نفوس قبل از خلقت و تعلق به بدن، وجودی عقلی در عالم مفارقات و مجردات و تعینی مثالی در عالم مثال دارند، با نظر به این تقدم، مراد از عالم ذر و میثاق الهی و تقدم عهد الست، همین تحقق در مرتبه عقل و به کینونت عقلی یا مثالی است، نفوس به عنوان معلول با علت خویش و در مقام وحدت و اجمال عقل به وجود جمعی واحد در عالم عقول تحقق دارند (شیرازی، ۳۱۷۴، ج ۲، ص ۱۴۳۴). این شهود عقلی مرتبه اعلی عالم میثاق و شهادت ذریه است: «انسان با تحقق در این مرتبه عقلی، به نحو فطری و به علم بسیط خداوند را می شناسد (ملاصدرا، الحکمه المتعالیه، ۱۹۸۱، ج ۱، ص ۱۱۶).

«انسانها قبل از ورود به عالم دنیا، هوئیاتی عقلی دارند که خداوند آنها را از پشت پدران عقلیشان بیرون آورد و بر آنان تجلی نمود. در آنجا به اضطرار، ربوبیت و وحدانیت خدا و حقیقت وجودی خویش را مشاهده کردند. چون خطاب آمد: «الست برکم»، ندای او را شنیدند و با اقرار به وحدانیت و ربوبیت اش در عالمی پیش از این عالم اجابتش کردند (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۴۵).

مقصود از خلقت ارواح قبل از ابدان این است که نفوس پیش از تعلق به بدن، در عالم مفارقات عقلی ثبوت یافته اند (اسفار، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۱۲۶ و مصباح یزدی، ۱۳۷۵، ج ۸، ص ۱۶۶). موطن تحقق عالم ذر و جریان میثاق نیز همان کینونت عقلی نفس پیش از بدن است که گاه با تعبیر علت و معلول و گاه با تعبیر «حقیقت و رقیقت در آثار ملاصدرا آمده است (شیرازی، ۱۳۶۶، ص ۲۴۳، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۱۲۶).

ملاصدرا عقول را همان قضای الهی و صفحات علمی حق تعالی دانسته و در برخی تعابیر خود آنها را لازم ذات خداوند معرفی می کند، چنانکه عالم مثال را صفحات قدر علمی حق تعالی معرفی کرده است، آفرینش از علم به عین آمده و هر آنچه در عوالم خلقی پدیدار می شود، در عوالم علمی و عینی قبل تعیین و تقدیر و تحکیم می گردد، این نظر با گفته شیخ مفید در تقدم علمی و موطن عقلی جریان ذر هماهنگ است: «اشیاء خارجی علاوه بر وجود در عالم کون و فساد، در مرتبه قضاء سابق الهی نیز ثبوت علمی دارند» (شیرازی، ۴۳۱۳، ج ۱، ص ۴۶۱).

بر این مبنا، شهود و علم و اقرار و گفت و گو نیز معنایی مطابق با همان مرتبه وجودی پیدا می کند: «خداوند قبل از وجود فردی و شخصی انسانها در عالم طبیعت، در عالم ذر بر آنها تجلی کرده است. در نتیجه انسان عبودیت خود و ربوبیت الله را مشاهده کرده و خطاب الهی را شنیده است. خداوند در آن موطن شهودی با انسان میثاق بسته و از او اقرار گرفته

است (شیرازی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۴۳ ف تفسیر القرآن الکریم، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۴۳). (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۸، ص ۳۵۲).

در این تاویل عقلانی از دیدگاه صدرا تقدم ذریه حضرت آدم در سلسله طولی و با وجود عقلی و مثالی توجیه می شود (شیرازی، ۱۹۸۱، ج ۹، ص ۱۹۵) که تاویلی معقول از عالم ذر محسوب شده و با تفسیر شیخ مفید در تقدم علمی و عقلی عالم ذر همراه است. بر مبنای حکمت متعالیه آفرینش از علم به عین تحقق پیدا می کند، تمام حقایق موجود در مراتب مادون به وجود علمی در مراتب مافوق تحقق دارند، احکام موجودات در هر کدام از این مراتب، مختص به همان نحوه وجود خاصی است که در آن مرتبه دارند، موجودات در مرتبه علم اجمالی و تفصیلی حق تعالی در احدیت و واحدیت موجودند اما این تعینات خارج از حقیقت ذات الهی نیست، در مراتب بعدی در عالم خلق نیز همه موجودات در عقل و مثال نحوه ای از وجود خاص به خود را دارند و به وجود جمعی موجودند، مرتبه طبیعت تنزل و تحقق طبیعی همان حقایق عالم عقل و مثال است و عالم ذر در حکمت متعالیه بر اساس همین ظهور و تنزل خاص معنا پیدا می کند. این مطلب در دیدگاه شیخ مفید نیز تحت عنوان تقدم علمی مطرح شده است.

علاوه بر تقدم نفوس و تحقق عالم ذر در سلسله طولی وجوه دیگری مانند پیمان تکوینی فطرت و استعداد عقلانی درک حق نیز به عنوان تفسیر جریان ذر مورد توجه شیخ مفید و صدرا قرار گرفته که قابل ارجاع به همان نگرش عمده در سلسله طولی آفرینش است. زیرا تقدم در مرتبه علم یا شهود عقلی موجودات با دیدگاه فطرت و خلقت اولیه و ظهور در مرتبه طبیعت قابل جمع است. آنچه در عوالم قبل به نحو عقلی و علمی موجود است، اصل و مبداء و مایه خلقت و فطرت اولیه است که در عوالم بعد ظهور می کند، ادراکات و گرایشات فطری نیز تذکر و توجه به همان باطن ملکوتی و خمیرمایه اولیه وجود انسانی است، انسانها از بدو تولد و

خلقت، در ذات و نهاد اولیه خویش برخی ادراکات فطری از جمله گرایش به مبداء و پرستش و عبادت الهی دارند که همان عهد ازلی را برای آنها تداعی می کند. چنانکه ظهور این حقایق فطری در مرتبه علم حصولی نیز به کشف عقلی حق تعالی و اثبات حق ربوبیت و عهد و میثاق الهی منجر می شود.

جمع بندی و نتیجه گیری

در این مقاله به مطالعه تطبیقی دیدگاه شیخ مفید و ملاصدرا پرداخته و نقاط اشتراک و اختلاف نگرش آنها را مورد تطبیق و مقایسه قرار دادیم که تا کنون انجام نشده و می توان آن را دست آورد این مقاله محسوب نمود. در نتیجه این مقایسه و تطبیق روشن شد که شیخ مفید و ملاصدرا از جهت روش شناسی هر دو به مراعات نصوص دینی و مشی عقلی پای بند بوده اند.

یکی از تفاوت های مواجهه مرحوم شیخ مفید، توجه به میزان اعتبار و حجیت روایات صادره درباره عالم ذر است، در حالی که در آثار ملاصدرا کمتر به مباحث سندی و تعیین حجیت اخبار عالم ذر و اعتبار راویان آن پرداخته شده است. شیخ مفید این ارزیابی را اولاً از جهت تعارض برخی از روایات با ظاهر قرآن کریم و ثانیاً ضعف سندی بخشی از روایات عالم ذر انجام داده است. ایشان با تفکیک میان روایات معتبر و غیر معتبر، برخی روایات عالم ذر را از جهت سند مخدوش دانسته، خبر واحد یا مجعول یا دخیل تلقی کرده است.

تفاوت دیگر شیخ مفید با صدرا در عالم ذر تفسیر ذر به ذرات بدون تعلق ارواح در دیدگاه مفید است، در این توجیه ذرات ریزی که به آدم نشان داده شدند، اصول جسمانی ذریه او بدون روح بودند و هدف نشان دادن قدرت الهی، تشویق آدم به اطاعت، کثرت و تنوع و اختلاف طینت اولاد حضرت آدم بود.

با وجود اختلاف جزئی شیخ مفید و صدرا هر دو در جهاتی با هم اشتراک نظر دارند، یکی از وجوه اشتراک آنها مخالفت با تفسیر ظاهری از عالم ذر است. در تفسیر ظاهری، ابدان ذری در عالم ذر دارای روح و درک و شعور شده و به ربوبیت خداوند اعتراف نموده اند.

مخالفت شیخ مفید و صدرا اولاً به جهت استلزام تناسخ و ثانیاً به دلیل منافات با فراموشی عمومی آن عالم است. تعلق روح به ابدان ذری و جدا شدن در بازگشت ذرات به صلب آدم و تعلق مجدد ارواح به ابدان در طبیعت مستلزم تناسخ محال است.

همچنین اگر انسانها با همین تشخیص و نفس و روح قبلاً میثاق را تجربه کرده باشند، حداقل باید کسانی آن را به یاد داشته باشند، در حالی که نوع بشر چنین خاطره ای ندارد و احدی چنین واقعه ای را به یاد نمی آورد.

وجه اشتراک دیگر شیخ مفید با صدرا ارائه وجوه معقول و مقبول درباره عالم ذر است. شیخ مفید ظاهر آیه شریفه و مضمون روایات را مشابه نظام هستی شناسی حکمت متعالیه به تقدم علمی و تقدیری در مراتب بالاتر وجود تفسیر نموده است. در حکمت متعالیه نیز، موطن عالم ذر در سلسله طولی و عوالم برتر وجودی است که عالم مجردات عینی یا صفحات علمی حق تعالی است.

منابع:

۱. قرآن کریم
۲. ابراهیمی راد، محمد (۱۴۰۳)، اعتبارسنجی سندی و تحلیل محتوایی احادیث «عالم ذر» در منابع شیعه، مجله سراج منیر، سال پانزدهم، ش ۴۸، صص ۳۰-۱.

۳. ابن منظور، محمد ابن مکرم، لسان العرب، چاپ سوم، بیروت، انتشارات دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۴. اعتصامی، عبدالهادی (۱۳۹۱)، چگونگی مواجهه شیخ مفید با میراث حدیثی امامیه. مجله نقد و نظر، ش ۶۶، صص ۱۰۵-۸۳.
۵. آشتیانی، جلال الدین (۱۳۸۱ش)، شرح بر زادالمسافر، قم، انتشارات بوستان کتاب قم.
۶. بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۶)، البرهان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه البعثه مرکز الطباعة و النشر.
۷. بیابانی اسکویی، محمد (۲۰۰۹). انسان در عالم ذر: آراء و اقوال دانشمندان قرن ۴ تا قرن ۸. مجله مطالعات قرآن و حدیث سفینه، ش ۲۲، صص ۹۲-۷۴.
۸. بیضاوی، عبد الله بن عمر (۱۴۱۸)، أنوار التنزیل وأسرار التأویل، تحقیق عبد الرحمن المرعشلی، بیروت، انتشارات دار إحياء التراث العربی.
۹. جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۱)، فطرت در قرآن، قم، مرکز نشر اسرا.
۱۰. حفنی، عبدالمنعم (۱۴۲۰). المعجم الشامل لمصطلحات الفلسفة فی العربیة و الإنجلیزیة، قاهره، انتشارات مکتبه مدبولی.
۱۱. خوش صحبت، مرتضی (۱۳۹۵). نقد و بررسی دیدگاه شیخ مفید در باب آموزه «عالم ذر». معرفت کلامی، ش ۱، ۱۰۲-۷۹.
۱۲. زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۰۷)، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، بیروت، انتشارات دار الکتب العربی.
۱۳. سبحانی، جعفر (۱۳۹۰)، منشور جاوید، قم، انتشارات موسسه امام صادق علیه السلام. سبزواری، هادی بن مهدی (۱۳۸۳)، أسرار الحکم فی المفتاح و المختتم، مطبوعات دینی، قم - ایران.

۱۴. سید مرتضی، علی بن موسی (۱۴۳۱)، تفسیر الشریف المرتضی، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۵. شرف الدین عاملی، عبد الحسین (۱۴۳۲)، فلسفه الميثاق و الولاية، بیروت، موسسه آل البيت عليهم السلام لاحياء التراث.
۱۶. شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۰)، الشواهد الربوبية فی المناهج السلوكية، انتشارات مرکز نشر دانشگاهی، تهران.
۱۷. شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶)، تفسیر القرآن الحکیم، قم، بیدار.
۱۸. شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۵۴)، المبدأ و المعاد، تهران، انتشارات انجمن حکمت و فلسفه ایران
۱۹. شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۴۲۰)، العرشیه، بیروت، موسسه التاريخ العربی
۲۰. شیرازی، محمد بن ابراهیم، المشاعر، طهوری، تهران، ۱۳۶۳ ش.
۲۱. شیرازی، محمد بن ابراهیم، (۱۹۸۱) الحکمة المتعالیة فی الأسفار العقلیة الأربعة
۲۲. شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۶۶). شرح أصول الکافی، تهران، وزارت فرهنگ و آموزش عالی. موسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی (پژوهشگاه)، ج ۳،
۲۳. صدر الدین شیرازی، محمد بن ابراهیم (۱۳۴۱)، عرشیه، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، اصفهان - ایران.
۲۴. صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۶)، التوحید، قم، جماعه المدرسين فی الحوزه العلمیه بقم، موسسه النشر الاسلامی.
۲۵. طباطبائی، محمد حسین (۱۳۹۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، بیروت، موسسه الاعلمی للمطبوعات.
۲۶. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۰۸)، مجمع البیان فی تفسیر القرآن، بیروت، دار المعرفه.

۲۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، تحقیق: سید احمد حسینی، تهران، انتشارات کتابفروشی مرتضوی، ۱۳۷۵ ش
۲۸. طنطاوی بن جوهری (۱۴۲۵)، الجواهر فی تفسیر القرآن الکریم، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۲۹. طوسی (بی تا)، التبیان فی التفسیر القرآن، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۳۰. علم الهدی، محمد باقر (۱۳۹۵)، سد المفرد علی منکر عالم ذر، مشهد: انتشارات ولایت.
۳۱. قدردان قراملکی، محمدحسن (۱۳۷۳)، نگاهی به عالم ذر، مجله کیهان اندیشه، شماره ۵۸، صص ۵۷-۴۵.
۳۲. قرشی، علی اکبر، قاموس قرآن، تهران، ناشر: دار الکتب الإسلامیه، ۱۳۷۱ ش
۳۳. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳ ق)، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار علیهم السلام، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۳۴. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۷۵)، شرح جلد هشتم الأسفار الأربعة، تهران، مرکز انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره).
۳۵. مغنیه، محمد جواد (۱۴۲۴)، التفسیر الکاشف، قم، دار الکتب الاسلامی.
۳۶. مفید، محمد بن محمد نعمان (۱۴۱۳)، اوائل المقالات، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۳۷. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، مسائل سرویه، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۳۸. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، مسائل عکبریہ، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۳۹. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، تصحیح اعتقادات، قم، المؤتمر العالمی للشیخ المفید.
۴۰. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴)، تفسیر نمونه، تهران، دار الکتب الاسلامیه.

۴۱. نجیبی، مهدی (۱۴۰۰). نقد و بررسی دیدگاه شیخ مفید در باره انگاره مادیت عالم
آفرینش حکمت اسلامی، شماره ۳۱، صص ۳۳-۵۵.

نسخه پیش انتشار: Pre-publication version
نسخه ویراستاری نشده: Unedited version